

ازدواج در اسلام؛ با نگاهی به کارکردهای تربیتی و روان‌شناختی

کنیز زهرا^۱، طاهره کریمی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اهمیت ازدواج و آثار فردی آن مانند کمالات معنوی، عفت و دوری از گناه به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردید. آثار اجتماعی و روان‌شناختی ازدواج، آرامش و امنیت خاطر، تولید نسل، سلامت و امنیت اجتماعی، تقویت و تثبیت صفات جنسی و رشد و شکوفایی استعدادهاست. با بررسی انجام شده این نتیجه حاصل شد که ازدواج موجب کسب کمالات معنوی، عفت و پاک‌دامنی، احساس مسئولیت، آرامش و امنیت خاطر، تولید و بقای نسل انسانی، سلامت و امنیت اجتماعی، تقویت و تثبیت صفات جنسی و باعث بروز استعدادها و توانایی‌های بالقوه می‌شود. برای ازدواج علاوه بر بلوغ جنسی، بلوغ اجتماعی، عقلی و عاطفی نیز در حد قابل قبولی نیاز است. بهترین زمان ازدواج برای دختران و پسران، اوایل جوانی است. این مقطع سنی برای بیشتر افراد که شرایط ازدواج را دارند، مناسب است.

واژگان کلیدی: ازدواج، کارکرد، روان، روان‌شناختی، کارکرد تربیتی، اسلام.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه تربیتی از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی و مدیر گروه علمی-تربیتی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.



از بدو پیدایش بشر بر روی کره زمین، همواره زنان و مردان با تشکیل کانونی به نام خانواده، عمری را در کنار یکدیگر گذرانده و فرزندان در دامان پرمهر خویش پرورانده و از این جهان رخت برپسته‌اند. خانواده، بهترین مأمن انسان و شایسته‌ترین کانون تبلور سکون و اطمینان است. طبیعی‌ترین شکل خانواده همین است که هیچ عاملی جز مرگ نتواند پیوند زناشویی را بگسلد و میان زن و شوهر جدایی بیفکند. (بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۳۳) این امر نشان می‌دهد که خانواده یکی از اساسی‌ترین و طبیعی‌ترین نیازهای انسان است. بسیاری از مشکلات روانی حاصل از تنش‌های زندگی روزمره، توسط یک خانواده سالم و بهنجار التیام یافته و جبران می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد ازدواج کرده به طور متوسط، سالم‌تر و خوشحال‌تر از آنهایی هستند که ازدواج نکرده‌اند، البته خانواده می‌تواند به شکلی معکوس، منبع مهم ایجاد تنش در زندگی فرد باشد، ولی اگر معیارهای زندگی سالم در خانواده رعایت شود، می‌توان جلوی تنش‌ها را سد کرد و خانواده را به تعادل و سلامتی رساند. ازدواج و موفقیت در آن، یک واقعه اجتماعی، زیستی و فرهنگی بوده و به دلیل نقش بنیادین آن در تشکیل خانواده اهمیت بسیاری دارد به گونه‌ای که می‌توان گفت که بدون ازدواج، خانواده مفهوم چندان روشن و واضحی ندارد (مهدوی، ۱۳۷۷، ص ۳۱).

ازدواج، سنگ بنای اولیه خانواده و عاملی اساسی برای زوجیت و همدلی دو جوان و زمینه بالندگی و پیشرفت همسران است و انسان‌ها می‌توانند در سایه اندیشه و ایمان واقعی و در پناه زوجیتی شایسته، با اطمینان و صلابت، بر ناکامی‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی چیره شوند و از وادی‌های شکست، مصمم و استوار عبور کنند تا بتوانند از گذرگاه اسفل السافلین به سوی اعلا علیین که همان مقصود خلقت است، راهی بکشایند. متفکران اخلاقی و حقوقی جوامع بشری درصدد برآمده‌اند تا بر استحکام این کانون بیفزایند و ازدواج، این سنت تغییرناپذیر الهی را در جامعه، هرچه بیشتر تقویت کنند تا انسان‌ها ازدواج را که نیازی فطری و طبیعی در میان همه موجودات است زمینه کسب کمال خویشستن بیابند. برای رسیدن به کمال باید از نردبانی چندپله‌ای صعود کرد که به طور حتم، اولین پله این نردبان تشکیل خانواده است. (بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۶۷) ساختار ازدواج و

سن آن در جوامع با یکدیگر متفاوت است. هر جامعه باتوجه به سبک زندگی و نظام فرهنگی خود، شیوه‌ها و روش‌های خاصی در زوجیت به وجود آورده است. این امر در فرهنگ اسلامی نیز مورد توجه ویژه بوده و به‌ویژه توصیه شده است که ازدواج در زمان مناسب آن انجام شود تا برکات معنوی، روانی، تربیتی و اجتماعی بیشتری نصیب همسران جوان شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. ازدواج

در تمام ادیان و مذاهب، ازدواج امری پذیرفته شده است و هر یک نوعی از ازدواج را دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه فرمود: «برای هر قومی نکاحی است» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۲). باتوجه به اختلافات فرهنگی، هر قوم و جامعه‌ای آداب و سنن ویژه‌ای در این امر دارد. ازدواج در لغت به معنای «جفت شدن و جفت گرفتن و در اصطلاح به معنای تنظیم دوه‌دوی اشیاء را گویند» (دهخدا، بی تا). واژه دیگری که بر ازدواج دلالت می‌کند واژه نکاح است. نکاح در لغت به معنی ضم (پیوستن) و زواج به معنای قرین و مقارن از یک جنس است: «الزواج يدل علی مقارنة شیئی لشیئی من ذلک» (ابن فارس، بی تا). نکاح در اصطلاح عرب معانی مختلفی دارد. این واژه هم بر عقد و هم بر وطی (جماع) دلالت دارد. از ظاهر بیشتر آیات قرآن چنین استنباط می‌شود که نکاح به معنی عقد است (ر، ک،، نور: ۳۲؛ نساء: ۶؛ احزاب: ۴۹). در بعضی آیات، مقصود از نکاح، وطی است نه عقد. از جمله آیه‌ای که در مورد زنان سه طلاقه است (ر، ک،، بقره: ۲۳)، البته به شیوه مستقیم، این نکته از آیه به دست نمی‌آید که مراد از نکاح، وطی است، بلکه به قرینه دیگر که از خارج به دست می‌آید این معنی مراد می‌شود و به ذهن می‌آید (اسلامی پناه، ۱۳۸۴). تعاریف متعددی برای واژه ازدواج ارائه شده است از جمله: «ازدواج فرایندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به‌طور کلی، عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است» (ساورخانی، ۱۳۷۰، ص ۲۳). در بینش اسلامی مقصود از ازدواج، پیوند زناشویی

رسمی میان دو جنس مخالف است که بالغ بوده و براساس شرایط شرعی و قانونی لازم انجام شده است.

۳. اهمیت ازدواج

غریزه جنسی مرد، جز با برقراری ارتباط جنسی وی با زن ارضا نمی‌شود و زن نیز نمی‌تواند غریزه جنسی خود را جز توسط مرد اشیاع کند و توالد و تناسل جز از راه ازدواج امکان‌پذیر نیست، پس اهمیت و ضرورت نکاح آشکار می‌شود. ازدواج امری فطری است و بر آن اساس پایه‌گذاری شده است. داشتن زندگی خانوادگی نیز امری طبیعی است و برپایه نظام خلقت استوار است و همین ازدواج است که پایه و اساس اجتماع را تشکیل می‌دهد؛ زیرا خانواده، پایه و اساس جامعه بشری است و بدون ازدواج هرگز خانواده و درپی آن جامعه بشری تحقق نخواهد یافت: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا» (حجرات: ۱۳). ازدواج در منطق قرآن کریم به وجود آورنده مطمئن‌ترین و آرام‌بخش‌ترین رابطه‌ها و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار است. از آیات و نشانه‌های قدرت خداوند این است که برای انسان از نوع خود، همسرانی آفرید تا در کنار آنها به آرامش و سکون برسند و بین آنها دوستی و رحمت قرار داد. خداوند متعال می‌فرماید: «از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (روم: ۲۱). در تفسیر این آیه آمده است که منشأ‌گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن، مودت و رحمتی است که خداوند بین آنها برقرار کرده و این مودت الهی و رحمت خدایی غیر از گرایش غریزی نر به ماده است که در حیوانات هم وجود دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۳۹).

ازدواج علاوه بر آرامش روانی و ارضای غریزه جنسی، تعهد و تکامل اجتماعی را در پی داشته و زمینه‌ساز بروز استعدادها و توانمندی‌های نهفته درونی می‌شود. شهید مطهری درباره نقش ارزنده ازدواج می‌گوید: «یک پختگی و پویایی وجود دارد که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود، در مدرسه پیدا نمی‌شود، در جهاد با نفس پیدا نمی‌شود، در نماز شب پیدا

نمی‌شود. این کمالات را فقط باید در ازدواج و تشکیل خانواده به دست آورد. بنابراین، هیچ وقت نمی‌شود که یک کشیش، یک کاردینال به صورت یک انسان کامل در بیاید اگر واقعاً در کاردینالی خودش صادق باشد» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۳۹۸). آیت‌الله مکارم شیرازی در این زمینه می‌نویسد: «بعد از ازدواج، شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می‌شود و خود را مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسایل زندگی فرزندان آینده می‌بیند. به همین دلیل تمام ابتکار و استعداد خود را به کار می‌گیرد و از ظرفیت‌های وجودی خود کمال استفاده را می‌برد و به بالندگی بیشتری نائل می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۴۶۵).

۴. آثار تربیتی ازدواج

۴-۱. کمالات معنوی

علامه محمدتقی جعفری در پاسخ این سؤال راسل که چرا اسلام اینقدر به ازدواج بها داده و آن را قانون قرار داده است، می‌گوید: «اسلام با ازدواج می‌خواهد انسان واقعی به وجود آورد و مسئله انسان و انسانیت مطرح است». (آزرمی، ۱۳۷۹، ص ۷) ازدواج در فرهنگ اسلامی، پیوندی مقدس است که موجب حفظ دین می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ احْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ؛ کسی که ازدواج کند نصف دین خود را حفظ کرده است» (حرعاملی، ۱۳۷۱). امام صادق علیه السلام فرمود: «رَكَعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيْهَا أُعْرَبٌ؛ دو رکعت نماز که انسان متأهل می‌خواند از هفتاد رکعت نماز که انسان مجرد می‌گزارد، برتر است» (حرعاملی، ۱۳۷۱، ص ۱۸) و به وجود آورنده مودت و رحمت است. ازدواج همچنین عامل مؤثری در حفظ پاک‌دامنی و طهارت دل‌هاست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مَطْهَرًا فَلْيَتَعَقَّفْ بِزَوْجَةٍ؛ هرکس می‌خواهد خدا را در حال پاکیزگی و طهارت ملاقات کند به وسیله ازدواج، عفت پیشه سازد» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۱۵۰). به وسیله ازدواج، یکی از سرکش‌ترین نیروها یعنی غریزه جنسی، ارضا شده و میل به انحراف در انسان کاهش می‌یابد. همچنین هوای نفس که منشأ بسیاری از ناهنجاری‌هاست تا حد زیادی مهار می‌شود. مهار هوای نفس از یک سو و رحمت و مودت الهی که

در ازدواج حاصل می‌شود ازسوی دیگر موجب کمال نفس و نورانیت دل می‌شود؛ زیرا کسی که به طرف گناه و ناهنجاری نرود و مشمول عنایات الهی باشد به نورانیت درون و قلب می‌رسد.

۴-۲. عفت و دوری از گناه

در اثر ازدواج، گزینه جنسی که یکی از قوی‌ترین غرایز انسانی است در مسیر طبیعی خود قرار می‌گیرد. این پدیده موجب می‌شود تا انسان از گناهایی که به دلیل میل جنسی انجام می‌دهد تا حد زیادی مصون بماند و هیچ‌گاه دامن خود را به روابط جنسی نامشروع که از نظر دین جزء گناهان کبیره است، آلوده نسازد. ازدواج موجب می‌شود تا انسان در مسیر کمال و خودسازی معنوی، بیشتر قدم بگذارد و خود را از گناه دور کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هرکس در آغاز جوانی ازدواج کند شیطانی که مأمور اوست فریاد می‌زند: «ما من شاب تزوج فی حدائنه سنه إلا عجَّ شیطانہ و یقول: یا ویلاه! عصم هذا منی ثلثی دینہ، فلیتق الله فی الثلث الباقی؛ ای وای! او دو ثلث دینش را از دسترس من حفظ کرد و ثلث دیگر را هم می‌تواند با تقوا حفظ کند» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۱۵۰). به گفته دانشمندان اخلاق، انگیزه اصلی گناهان و انحرافات اخلاقی و تربیتی، سه قوه است: قوه شهویه، قوه غضبیه و قوه وهمیه. این سه قوه در مرز تعدیل خود در وجود انسان برای دفع مفساد و جلب ارزش‌ها لازم هستند. نیروی غضب برای دفاع و مبارزه با تجاوزات بیگانه، نیروی شهوات در مسیر طبیعی برای بقای نسل و لذت‌ها و تفریحات سالم و نیروی وهمیه برای کسب امور عادی در حد طبیعی لازم است، ولی طغیان و یا تعطیل آنها موجب افراط و تفریط شده و انگیزه انحراف و فساد می‌شود. (ر.ک. اشتهاوردی، ۱۳۷۷)

مهمترین عامل تعدیل صحیح قوه شهویه در شهوت جنسی، ازدواج است. ازدواج موجب کنترل این قوه شده، آن را از تجاوز و طغیان بازمی‌دارد. وقتی جلوی طغیان شهوات گرفته شود زمینه برای کسب عفت و دوری از گناه مهیا می‌شود و انگیزه گناه از بین می‌رود. گزینه جنسی مانند آب رودخانه، مایه حیات است. اگر در جلوی آن سدی بسته شود و دریچه‌ای پشت سر آن قرار گیرد آب رودخانه، مایه حیات دام‌ها و گیاهان خواهد بود و جمع شدن آب نه تنها موجب ضرر

و سیلاب نمی‌شود، بلکه با باز کردن سد در هنگام نیاز به آب می‌توان از آن استفاده بهینه و منطقی کرد. کنترل شهوات و ارضای آن از راه ازدواج مانند آب رودخانه و پشت سد، مایه حیات و به‌ارمغان آورنده عفت و پاک‌دامنی در جامعه است. (اشتهدادی، ۱۳۷۷، ص ۱۹)

۴-۲-۳. احساس مسئولیت

انسان تا وقتی تنه‌است، بیشتر به فکر خود است و حرکت او به سوی بی‌بندوباری و هرزگی چندان دور از انتظار نیست، به‌ویژه اگر دین نداشته باشد احساس مسئولیت هم نمی‌کند، ولی اگر ازدواج کرد، فکر می‌کند که تنها نیست، بلکه پیش وجدان خود، مسئولیت زن و فرزند نیز را برعهده دارد. از این رو، حرکت او به سوی بی‌بندوباری دشوار می‌شود و ازدواج مانند سدی در سر راهش او را کنترل می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که جوانان بسیاری پس از ازدواج، سربه‌راه شده‌اند و سبک‌سری و بیراهه رفتن‌های گذشته را ترک کرده‌اند. این سخن نقل مجالس شده است که جوانان ازدواج کرده در گفتار خود می‌گویند: «ما دیگر ازدواج کرده‌ایم و مثل سابق نمی‌توانیم هر جا برویم. برای ما که زن و بچه داریم، عیب است به هر راهی پا بگذاریم». این همان احساس مسئولیت است که به این صورت جلوه می‌کند. احساس مسئولیت، پایه مراقبت و کنترل و دوری از هرزگی و اعتیاد و سایر انحرافات می‌شود. احساس مسئولیت همان وجدان اخلاقی و نفس لوامه است که نقش بسیاری در پاک‌زیستی و انضباط رفتاری دارد. وجدان اخلاقی و احساس مسئولیت، دادگاه کوچکی در درون جان انسان است. (ر.ک. اشتهدادی، ۱۳۷۷)

۵. آثار اجتماعی و روان‌شناختی ازدواج

۵-۱. آرامش و امنیت خاطر

مهمترین نیازی که در پرتو ازدواج برآورده و تأمین می‌شود نیاز به آرامش و امنیت خاطر است. این نیاز که در سرشت انسان ریشه دارد چنان قابل توجه است که خداوند منان در قرآن کریم ایجاد آرامش خاطر از راه ازدواج را یکی از آیات خود معرفی کرده است. بنابراین، همسر موجب آرامش خاطر و امنیت دل است و جوان را که در اوایل جوانی با احساس تنهایی، بی‌په‌ودگی و نداشتن

پناهگاه عاطفی، دست به گریبان است به جایگاه امن رهنمون و موجب می‌شود تا همسران با اتکا به یکدیگر درمقابل امواج و گرفتاری‌های زندگی مقاومت کنند و با امیدبخشیدن به یکدیگر به زندگی محبت‌آمیز خود ادامه دهند. امام رضا علیه السلام درباره فواید همسر شایسته می‌فرماید: «ما افاد عبدٌ فائدةً خيراً من زوجةٍ سالحةٍ إذا رآها سرُّتهُ و إذا غاب عنها حفظته فی نفسها و ماله؛ هیچ منفعتی بهتر از همسر شایسته نیست، همسری که وقتی انسان او را می‌بیند شادمانش گرداند و در موقع نبودن او، نگهدار ناموس و مالش باشد» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۳۹).

۵-۲. تولید نسل

یکی از ثمرات بزرگ ازدواج، بقای نسل بشریت است که براساس هدف آفرینش است. همسران جوان با فرزنددار شدن موجب پیوند بین نسل‌ها شده و با پرورش فرزندان صالح و مؤمن در اصلاح جامعه انسانی شریک می‌شوند و روح بندگی خالق متعال را که هدف اساسی خلقت انسان است در عرصه گیتی گسترش می‌دهند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «تناکحوا تناسلوا، انّی اُباهی بکم الأمم فی یوم القیامة؛ ازدواج کنید تا صاحب فرزند شوید. قطعاً من به زیادی شما در روز قیامت بر امت‌های دیگر مباحات می‌کنم» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۱۵۳). این نکته بسی واضح و روشن است که پیامبر صلی الله علیه و آله به صرف زیادی جمعیت مباحات نمی‌کند، بلکه مباحات پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل جمعیتی است که بندگی خدا را کرده باشند و با انجام وظایف دینی و انسانی موجب آبادانی مادی و معنوی جهان شوند.

۵-۳. سلامت و امنیت اجتماعی

ازدواج و تأسیس کانون خانواده برای سلامت و امنیت جامعه مفید است و زمینه ارتکاب جرم و بزهکاری را کم می‌کند. آماری که توسط محققان علوم اجتماعی ارائه می‌شود مؤید این مطلب است. در یک تحقیق میدانی که بر روی ۵۰۰ تن از جوانان انگلستان انجام گرفت این نتیجه به دست آمد که جوانان پس از ازدواج و تشکیل خانواده، کمتر به انجام اعمال مجرمانه روی می‌آورند و خلافکاری و جرم در آنها کاهش می‌یابد و درمقابل، افرادی که مجرد هستند به اعمال

خلاف و بزهکاری اجتماعی بیشتری روی می‌آورند و زمینه کارهای ناهنجار در آنها بیشتر است. (محبوبی منش، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اکثر اهل النار العزّاب؛ بیشتر اهل جهنم مجردها هستند» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۲۰). این حدیث به روشنی دلالت می‌کند بر اینکه گناه و ناهنجاری در میان مجردها بیشتر است و به همین دلیل گرفتار آتش شده‌اند. وقتی گناه و ناهنجاری توسط مجردها بیشتر شود امنیت اجتماعی و سلامت روانی اجتماع به خطر می‌افتد. ویل دورانت، دانشمند معروف، درباره ترغیب به ازدواج و فواید آن می‌گوید: «اگر راهی پیدا شود که ازدواج در سال‌های طبیعی انجام گیرد فحشا، امراض روانی، تنهایی بی‌ثمر، عزلت ناپسند و انحرافات جنسی که زندگی را لکه‌دار کرده است تا نصف، تقلیل خواهد یافت. عشق جنسی جوانان زودتر از توانایی اقتصادی‌شان فرامی‌رسد. ما نباید از این پیشامد رم کنیم و بگذاریم آن عشق افسرده شود و بمیرد. ازدواجی که برپایه عشق تازه و نمرده دختر و پسر انجام می‌شود در طی سال‌های درازی، زندگی آنها را معطر و خوش بو می‌کند و گرنه عمیق و طبیعی و آرمانی نخواهد بود» (ویل دورانت، بی‌تا، ص ۱۷۴).

۴-۵. تقویت و تثبیت صفات جنسی

عبور از مرحله کودکی و رسیدن به بزرگسالی نیازمند دستیابی به هویت جنسی و نقش جنسیتی است که این دو با ازدواج و انتخاب همسر تثبیت می‌شود؛ زیرا وقتی در جامعه به فردی همسر یا شوهر خطاب شود در او این حس به وجود می‌آید که به مرحله بزرگسالی رسیده است و از او انتظار می‌رود تا مثل یک بزرگسال رفتار کند. از این رو، احساس مسئولیت بیشتری کرده و سعی می‌کند نقش جنسی خود را بهتر انجام دهد. دختر و پسر به واسطه ازدواج به شناخت خود عمق می‌دهند و زنانگی و مردانگی خود را ابراز می‌کنند و به بسیاری از دل‌مشغولی‌های خود پایان می‌دهند. آنها باورها و ارزش‌های محوری جامعه را در درون خود تثبیت کرده، نسبت به آن متعهد می‌شوند و در نتیجه خود را از پراکندگی نقش‌ها رها کرده به انسجام در هویت جنسی روی می‌آورند. ازدواج به ساختاری می‌ماند که پیوسته زنان و مردان را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا به رفتار

خود شکل منطقی دهند و از همه مهمتر موجب می‌شود تا احساس زن و مرد بودن در آنها تقویت شود. (ناک استیون، ۱۳۸۲، ص ۷۸)

۵-۵. رشد و شکوفایی استعدادها

ازدواج زمینه بروز خلاقیت‌ها و موفقیت‌ها را در همسران افزایش داده و موجب می‌شود تا فضایل اخلاقی و انسانی در آنها به فعلیت برسد. وقتی از مرد خانواده انتظار می‌رود تا هنگام ضرورت برای حمایت از خانواده خود ایستادگی کند این انتظار، روحیه دفاع و جوان‌مردی را در او تقویت می‌کند. به وجود آمدن شرایط مادری برای زنان موجب می‌شود تا با تحمل مشکلات فرزندپروری و شوهرداری به کمال روحی بیشتری برسند، روح خود را در اثر شکیبایی و ایثار، بالنده کنند، با مسئولیتی که در خانه و خانواده دارند به تلاش بیشتر روی آورند و استعدادهای خود را برای اداره مناسب خانواده به کار گیرند تا به موفقیت بیشتری برسند. دکتر افروز در این باره می‌نویسد: «ازدواج، آغار لطیف‌ترین و گرمابخش‌ترین رابطه‌ها و به فعلیت رساندن همه استعدادها و قابلیت‌ها و بهره‌مندی از عالی‌ترین تکریم‌هاست» (افروز، ۱۳۸۱، ص ۶).

۶. سن مناسب ازدواج

یکی از مسائل اساسی در ازدواج که درباره آن نظریات متفاوتی میان اندیشمندان مطرح شده است بحث سن مناسب ازدواج و همسرگزینی است. باتوجه به آموزه‌های دینی در این زمینه و با درنظر گرفتن تحقیقات روان‌شناختی، معیارهای اساسی و بنیادی در ازدواج و سن مناسب آن عبارتند از:

۶-۱. بلوغ جنسی

مرحله بلوغ، آغاز دوره نوجوانی بوده و با بروز فعل و انفعالات و ترشحات هورمونی در غدد درون‌ریز با تغییرات سریع و محسوس در ویژگی‌های ظاهری بدن و حتی ویژگی‌های روانی همراه است. این تغییرات نوجوان را آماده وارد شدن به عرصه بزرگسالان می‌کند و در او از نظر زیستی و روانی این آمادگی را ایجاد می‌کند تا به دنیای بزرگسالی وارد شود. کسی که می‌خواهد به ازدواج اقدام کند

باید به بلوغ جنسی رسیده باشد؛ یعنی در درون خود علاقه و نیاز به جنس مخالف را احساس کند و از نظر جنسی به مرحله ای رسیده باشد که بتواند همسر خود را ارضا کند و خودش هم نیازمند ارضا باشد؛ زیرا کسی که به بلوغ جنسی نرسیده است قادر نیست با همسر خود انس و الفت ایجاد کند و نیازهای روحی او را برآورده سازد و کانون زناشویی که در آن انس و الفت نباشد دوام نخواهد آورد و متلاشی می شود. تحقیقات اجتماعی که در این زمینه انجام شده بیانگر این نکته است که درصد طلاق در همسرانی که در سنین پایین ازدواج کرده اند، بیشتر است. براساس روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، شخصی به امام علیه السلام عرض کرد: «ما فرزندان خود را در کودکی به ازدواج درمی آوریم. امام صادق علیه السلام در جواب فرمود: اگر آنان را در خردسالی و سنین پایین به ازدواج درآورید بسیار بعید است که با هم انس و الفت بگیرند» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۱۰۴). این روایت با عنایت به دشواری انس، ازدواج در سنین پایین را مناسب نمی داند.

۶-۲. بلوغ عقلی

خانواده، نیازمند مدیریت و رهبری است و همسران به ویژه پدر باید بتواند این مجموعه را در حد قابل قبولی اداره کند. این امر در عصر حاضر که خانواده ها به صورت خانواده هسته ای یعنی، متشکل از زن و مرد و فرزندان هستند اهمیت مضاعفی پیدا می کند و سرپرست خانه باید به مرتبه ای از بلوغ عقلی رسیده باشد که بتواند توانایی اداره این مجموعه را داشته باشد وگرنه این خانواده دچار هرج و مرج و بحران مدیریتی خواهد شد. حضرت علی علیه السلام در روایتی می فرماید: «ایاکم و تزویج الحمقاء؛ از ازدواج با افراد احمق و نادان پرهیز کنید» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۸۴)؛ زیرا افراد نادان و احمق نمی توانند کشتی زندگی را سلامت به سرمنزل مقصود برسانند و در تربیت فرزند و همسررداری دچار مشکل می شوند، البته باید توجه داشت که بلوغ عقلی از مفاهیمی است که مراتب متعددی دارد و بسیاری از انسان ها به مراتب عالی آن نمی رسند. معیار بلوغ عقلی در ازدواج مرتبه ای است که انسان بتواند خانواده را در حد متعارف و قابل قبولی اداره کند.

۶-۳. رشد عاطفی

رشد عاطفی شخص مستلزم بروز و ظهور رفتارهای آشکاری مانند قدرت برقراری و حفظ روابط شخصی با دیگران، درگیر شدن در تعاملات عاطفی، توان درک احساسات متقابل و توسعه حس همدلی و قدرت ابراز علاقه و محبت به همسر است. ازدواج که پیوندی تعهدآور و مسئولیت‌آفرین است و فرد را در نوع جدیدی از روابط شخصی و نزدیک درگیر می‌کند به رشد عاطفی فرد بستگی دارد. این امر به‌ویژه در خانواده‌های امروزی که درمقایسه با خانواده‌های دوره‌های پیشین در بسیاری از زمینه‌ها تفاوت اساسی دارند ضرورت بیشتری پیدا کرده است. تردیدی نیست که موفقیت ازدواج به برخورداری همسران از استعدادها و ظرفیت‌های عاطفی بالا برای تبادل احساسات مثبت در تعاملات مشترک خانوادگی وابسته است. (بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۸۶) هرچه تبادل عواطف بین دو عنصر اصلی خانواده یعنی، زن و شوهر بیشتر باشد خانواده، استحکام بیشتری و بالندگی بهتری خواهد داشت. در منابع اسلامی، روایات زیادی در اهمیت نقش و ویژگی‌های شخصیتی مثبت مانند روحیه سازگاری، همدلی، عطف و مهربانی و اظهار علاقه به یکدیگر وارد شده است که ثمره این توصیه‌ها در استحکام و پویایی خانواده و روابط عاطفی همسران تجلی می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا؛ اگر مردی به همسر خود بگوید: من تو را دوست دارم این سخن هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۲۳). پرواضح است که وقتی محبت مرد با این یک کلمه در قلب زن جای می‌گیرد اگر هزاران بار اظهار محبت شود و مرد به مرحله بلوغ عاطفی رسیده باشد و بتواند این کار را انجام دهد آن خانواده کانون صفا و مهر خواهد بود و هرگز متزلزل نمی‌شود.

۶-۴. رشد اجتماعی

رشد اجتماعی فرد که طی فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد در قالب ویژگی‌هایی مانند قدرت تشخیص وظایف و مسئولیت‌ها، قدرت انتخاب‌گری، اعتماد به نفس، انجام کنش‌های متعارف، استقلال نسبی در انجام وظایف، مسئولیت‌پذیری، التزام به رعایت هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و توان درگیر شدن در روابط پیچیده اجتماعی ظهور می‌یابد. این مرحله از رشد در همه

عرصه‌های روابط اجتماعی و به‌ویژه روابط زناشویی اهمیت خاصی دارد و اگر همسران به این مرحله از رشد نرسیده باشند با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شوند. براساس مطالعات انجام‌شده بر روی ازدواج‌های سنین پایین، بسیاری از آسیب‌ها و مشکلات خانوادگی در این ازدواج‌ها از ضعف رشد اجتماعی زوجین یا یکی از آن دو و عدم آمادگی لازم برای ایفای وظایف خانوادگی و همسری در آنها نشأت می‌گیرد. (بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷) در احادیث اسلامی نیز درباره اهمیت رشد اجتماعی زوجین اشاره‌هایی شده است. برای نمونه می‌توان به ویژگی‌هایی مانند گرمی بودن همسر در بین بستگان خویش (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۲۸) که نشانه تربیت صحیح و شکوفا شدن شخصیت اجتماعی اوست، آداب‌دانی همسر به‌گونه‌ای که وظایفش را بدون نیاز به امر و نهی دیگران انجام دهد (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۲۷)، نهی از ازدواج با افرادی که وظایف همسری را نمی‌دانند یا نهی از ازدواج با افراد لجوج و بی‌منطق (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۳۴) و سفارش به ازدواج با مردی که مسئولیت‌پذیر باشد و همسر و فرزندان خود را به دیگری وانگذارد (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۳۴) اشاره کرد.

از مجموع این روایات استفاده می‌شود که رشد اجتماعی و توانایی ایجاد ارتباط با افراد خانواده و فهم وظایف اجتماعی و خانوادگی از مسائلی است که در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد. ازدواج در اوایل جوانی از جنبه سلامت روانی و تکامل معنوی و دینی برای افراد مناسب‌تر است. اگرچه نمی‌توان سن دقیقی به صورت کلی و عام برای زمان مناسب ازدواج اعلام کرد، با توجه به شرایط اجتماعی و آموزه‌های دینی، تحقیقات انجام شده در این زمینه‌ها، نظر متخصصان در این زمینه و تحولات به‌وجود آمده در نسل جوان می‌توان مقطع سنی ۱۵ سال به بعد را برای دختران و ۱۸ سال به بعد را برای پسران مناسب دانست و البته باید دو سال خدمت سربازی هم برای پسران در نظر گرفت. این مقطع سنی برای بیشتر جوانان مناسب است و باید توجه داشت که عده کمی از افراد شرایط ویژه‌ای دارند و نمی‌توانند ازدواج به‌موقع کنند، ولی بیشتر جوانان می‌توانند در اوایل جوانی به این امر اقدام کنند. آنها در این سنین به بلوغ جنسی، عقلی، اجتماعی و عاطفی رسیده‌اند. آیت‌الله امینی می‌گوید: «طبیعت و آفرینش ویژه انسان، سن

ازدواج را تعیین کرده و آن سن بلوغ است و چون پسرها در ۱۶ سالگی و دخترها معمولاً در ۱۰ سالگی به سن بلوغ می‌رسند شرعاً می‌توانند ازدواج کنند، ولی بهتر است ازدواج را تا سن ۱۸ در پسران و ۱۵ سالگی در دختران به تأخیر انداخت تا دختر و پسر آمادگی انجام مسئولیت‌های خانوادگی را پیدا کنند. از این رو، می‌توان گفت که مناسب‌ترین سن برای ازدواج در پسران ۱۸ سالگی به بعد و در دختران ۱۵ سالگی به بعد است» (امینی، ۱۳۷۹، ص ۳۰).

تحقیقات نشان می‌دهند که ۷۰٪ افرادی که در سنین بیشتر ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند، می‌گویند: «این ازدواج غرایز و محرک‌های جنسی آنها را به بهترین وجهی ارضا نموده و موجب رشد عاطفی و احساس استقلال آنها شده است» (بیگلو، ۱۳۸۰، ص ۹)، البته این احتمال هم وجود دارد که این تحقیق مختص دختران باشد. دکتر علی اصغر سروری که متخصص مسائل ژنتیک است درباره سن مناسب ازدواج می‌گوید: «ازدواج در سنین پایین به لحاظ اینکه فرد هنوز تجربه کافی ندارد و درباره زندگی تصورات غیرواقعی دارد، مناسب نیست و امروزه سنین مناسب ازدواج بالای ۱۸ سالگی است و در این سنین همسران می‌توانند درباره زندگی آینده تصمیم واقعی بگیرند و وظایف همسری را انجام دهند» (سروری، بی‌تا، صص ۲۸). زندگی عملی معصومان علیهم‌السلام نیز حجت است و می‌توان ادعا کرد که بیشتر امامان معصوم علیهم‌السلام پیش از ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. امام سجاد علیه‌السلام در سال ۳۸ هـ.ق متولد شد و مورخان نوشته‌اند: «امام باقر علیه‌السلام در سال ۵۷ هـ.ق متولد گردید و در ماجرای کربلا چهارساله بود» (پیشوایی، ۱۳۸۰، ص ۷۷). از این مطلب می‌توان دریافت که امام سجاد علیه‌السلام قریب ۱۸ سالگی ازدواج کرده است. امام کاظم علیه‌السلام در سال ۱۲۸ هـ.ق متولد شده و امام رضا علیه‌السلام در سال ۱۴۸ هـ.ق دیده به جهان گشوده است، پس امام کاظم علیه‌السلام پیش از ۲۰ سالگی ازدواج کرده است. امام جواد علیه‌السلام در سال ۱۹۵ ق و امام هادی علیه‌السلام در سال ۲۱۲ هـ.ق دیده به جهان گشوده‌اند. نتیجه اینکه امام جواد علیه‌السلام در موقع ازدواج کمتر از ۱۷ سال داشته است. امام هادی علیه‌السلام در ۲۱۲ هـ.ق و امام حسن عسکری علیه‌السلام در سال ۲۳۲ هـ.ق دیده به جهان گشود. بنابراین، امام هادی علیه‌السلام باید پیش از ۲۰ سالگی ازدواج کرده باشد. امامان معصوم علیهم‌السلام در مورد

فرزندانشان هم این شیوه را داشته‌اند و پیش از ۲۰ سالگی وسایل ازدواج آنها را فراهم کرده‌اند (عبدوس، بی‌تا، ص ۲۸).

یافته‌های پژوهشی انجام شده بیانگر این مطلب است که سن ازدواج عامل مهمی در تداوم زندگی زناشویی است و هرچه سن ازدواج پایین‌تر باشد احتمال ازهم‌گسیختگی خانواده بیشتر می‌شود؛ زیرا در سنین بسیار کم، افراد قابلیت لازم برای ایفای نقش همسری را ندارند. ازدواج در سنین بالا نیز خطر طلاق را افزایش می‌دهد. (میراحمدی زاده، و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۶۰) براساس آمارهای ارائه شده، سن ازدواج و میانگین آن در بسیاری از جوامع به‌ویژه جوامع صنعتی روبه افزایش است و بالا رفتن سن ازدواج در تشکیل و ناپایداری خانواده تأثیر دارد. بالا رفتن سن ازدواج، حتی در مواردی به وضعیت خانواده‌های بدون فرزند منجر می‌شود که خود باعث ناپایداری خانواده می‌شود (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴). اگر دختر در سنین مناسب یعنی، ۱۵ سالگی به بعد ازدواج کند، می‌تواند با همسر خود سازگاری بیشتری داشته باشد و با او انس بگیرد و چون شخصیت دختر به کمال نهایی نرسیده است تحت تأثیر فضای فرهنگی و اجتماعی خانواده جدید کامل می‌شود. از این رو، اختلافات کمتری پیش می‌آید، اما اگر دختر و پسر در سنین بالا ازدواج کنند علاوه بر اینکه نشاط عاطفی و جنسی جوانی را ندارند از نظر اخلاقی هم با هم تعارض پیدا می‌کنند؛ زیرا شخصیت هر دو از حالت انفعالی خارج شده است و هر کدام از آنها خود را صاحب نظر می‌دانند و حاضر نیست حرف طرف مقابل را قبول کند.

روایاتی در این خصوص وارد شده‌اند. برای مثال: «از سعادت مرد است که دخترش در خانه شوهرش به سن عادت ماهیانه برسد» (حراملی، ۱۴۱۲، ص ۶۱) یا «دختر به سن نه سالگی که رسید از یتیمی خارج می‌شود و می‌تواند ازدواج کند» (حراملی، ۱۴۱۲، ص ۳۰). باتوجه به روایاتی که در بلوغ جنسی، عقلی و رشد اجتماعی بیان شد به معنای فضیلت ازدواج و عجله کردن در آن است وگرنه نمی‌توان از این روایات استفاده کرد که دختر را در ۹ سالگی و پسر را در ۱۶ سالگی باید تزویج کرد؛ زیرا روایات زیادی دال بر لزوم بلوغ عقلی، اجتماعی و عاطفی در ازدواج است. براساس

تحقیقات انجام شده ۶۴٪ دختران ایرانی به طور میانگین در ۱۳ سالگی عادت ماهیانه‌شان شروع می‌شود (آیت‌اللهی، بی‌تا، ص ۲۵۶) و بلوغ جنسی آنها در ۱۳ سالگی آغاز می‌شود و پس از سن بلوغ جنسی، چند سالی باید بگذرد تا تجربه کسب کنند و بتوانند زندگی را اداره کنند.

۷. نتیجه‌گیری

باتوجه به معیارهای دینی و آموزه‌های اسلامی در زمینه ازدواج و فواید آن، این نتیجه به دست می‌آید که ازدواج موجب کسب کمالات معنوی، عفت و پاک‌دامنی، احساس مسئولیت، آرامش و امنیت خاطر، تولید و بقای نسل انسانی، سلامت و امنیت اجتماعی، تقویت و تثبیت صفات جنسی و باعث بروز استعدادها و توانایی‌های بالقوه می‌شود. همچنین از آموزه‌های دینی و تحقیقات تجربی اندیشمندان این‌گونه برداشت می‌شود که در ازدواج علاوه بر بلوغ جنسی، بلوغ اجتماعی، عقلی و عاطفی نیز مورد نیاز است و بهترین زمان ازدواج برای دختران و پسران، اوایل جوانی است. این مقطع سنی برای بیشتر افراد که شرایط ازدواج را دارند، مناسب است. ازدواج در این دوره فواید معنوی، اجتماعی و روان‌شناختی زیادی دارد که به بخشی از آنها اشاره شد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی‌الحدید، هبه‌الله (۱۴۰۴). شرح نهج‌البلاغه. قم: منشورات آیت‌الله العظمی مرعشی‌النجفی.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۲۲). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. آرمی سه‌ساری، سعید (۱۳۷۹). میثاق مقدس. تهران: سازمان ملی جوانان.
۵. اسلامی‌پناه، هادی (۱۳۸۴). ازدواج‌پژوهی در آیات الهی. نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷، ۱۱-۴۷.
۶. اشتهاوردی، محمدمهدی (۱۳۷۷). ازدواج و شیوه همسررداری از دیدگاه اسلام. تهران: یوسف.
۷. افروز، غلامعلی (۱۳۸۱). مبانی روان‌شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
۸. امینی، ابراهیم (۱۳۸۶). انتخاب همسر. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۹. آیت‌اللهی، زهرا (بی‌تا). سن ازدواج دختران. نشریه فقه، شماره ۲۹، ۱۸۱۷.
۱۰. بستان، حسین (۱۳۸۳). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۱. بهشتی، احمد (۱۳۷۷). خانواده در قرآن. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۲. بیگلر، بهروز حسن (۱۳۸۰). روان‌شناسی خانواده. تهران: سرآمد کاوش.
۱۳. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۰). سیمای پیشوایان در آیین تاریخ. قم: دارالعلم.
۱۴. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۱). زن در آیین جلال و جمال. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۱۵. حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: روزنه.
۱۷. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
۱۸. سروری، علی اصغر (۱۳۸۱). اصول ژنتیک پزشکی در ازدواج. اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد صنعتی اصفهان.
۱۹. شیخی، محمد تقی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان و خانواده. تهران: شرکت سهامی.
۲۰. عبدوس، محمد تقی (بی تا). فرازهای برجسته از سیره امامان شیعه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۲۲. محبوبی منش، حسین (۱۳۸۳). تغییرات اجتماعی ازدواج. نشریه کتاب زنان، شماره ۲۶، ۱۷۲-۲۰۲.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۲). تفسیر نمونه. قم: چاپخانه امیرالمؤمنین (ع).
۲۵. مهدوی، محمد صادق (۱۳۷۷). بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۶. میراحمدی زاده، علیرضا، و همکاران (۱۳۸۲). رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن. نشریه اندیشه و رفتار، شماره ۳۲، ۵۶-۶۳.
۲۷. ناک استیون (۱۳۸۲). ازدواج در زندگی مردان. مترجم: غفاری، سعید. ناشر: ساحل.
۲۸. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البیت.
۳۰. ویل دورانت (۱۳۹۹). لذات فلسفه. مترجم: زریاب خوبی، عباس. تهران: علمی و فرهنگی.